

و آنچه در روایات معتبره در این باب و اعمال و آداب آن وارد شده است
 با سنانید معتبره از معنی بن خنیز که از خواص اصحاب حضرت امام
 جعفر صادق علیه السلام بوده است منقولست که گفت در روز نوروز بخند
 آنحضرت رفت فرمود آیا میشناسی این روز را گفت فداي تو شوم این
 روزیست که عجم آنرا تعظیم مینماید و درین روز عتقا و هدیه ها برای
 یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بجای خانه کعبه که
 در کعبه معظمه است که این تعظیم کردن نیت مکر برای امر قدیمی که تفسیر
 میکنم آنرا برای تو نابهمی آنرا گفتیم ای ستید و آقای من دانستی این به
 برکت شما محبوب است نزد من از آنکه مردم کان من زنده شوند و دشمنان من
 بمیرند حضرت فرمود که ای معلى بد رستی که روز نوروز و روزیست که حق سبحانه
 و تعالی در این روز جهان بندگان را گرفت از ادواج ایشان در روزانگ
 که او را بیکانگی پرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی پرستند
 مع جزا شریک او نکند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتها
 او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم
 و این روز روزیست که در آن افساب طلوع کرده است و بادها آستین
 درختان و ذبیده است و کلهها و شکوفه های زمین آفریده شده است و درین
 روز کشتی حضرت نوح هم بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این
 روزیست که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ بگریختند یعنی
 از طاعون و یکصد نفر خداوند قهار هم را میراند پس بعد از مدتها که استخوان
 شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها گذشت و از پروردگار خود
 سوال کرد که یا و بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکردی

در روز نوروز و روزیست که حق تعالی در این روز جهان بندگان را گرفت از ادواج ایشان در روزانگ که او را بیکانگی پرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی پرستند مع جزا شریک او نکند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتها او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم و این روز روزیست که در آن افساب طلوع کرده است و بادها آستین درختان و ذبیده است و کلهها و شکوفه های زمین آفریده شده است و درین روز کشتی حضرت نوح هم بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ بگریختند یعنی از طاعون و یکصد نفر خداوند قهار هم را میراند پس بعد از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها گذشت و از پروردگار خود سوال کرد که یا و بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکردی

پس

پس حق تعالی فرستاد نسبی او که آب بریزد بر این استخوانهای ایشان در همان جای خود که
 هستند پس چنین کرد و همه بیدار شدند خدا زنده شدند و این اول سال فرس و عجم است
 و این سبب است شد که در این روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل
 کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده أَلَمْ
تَرَى إِلَى الدِّينِ حَرْجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ
مَوْثِقَةٌ أَخْيَا لَهُمْ فِي مَعْزَرَانِ كَفَنَهُ اللَّهُ که آن پیغمبر حضرت حوقیل عم بود و حضرت
 فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که درین روز جبرئیل عم بر حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله نازل شده یعنی نور روز موافق روزیست که حبیب و هفتم ماه مبارک
 رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه هم بهتای کفار قریش
 را در مکه شک و حضرت ابرهیم عم نیز در این روز بهتای کافران را شک و اول
 اشاره است بآنکه سببی و شیعری روایت کرده اند بطرف بسیار که شیعی حضرت
 رسالت هم حضرت امیر المؤمنین عم را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت امیر
 امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بهتای کافران را برآورد و شک بر مراد
 اینست که در شب این روز بود و فرمود که درین روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر کرد
 اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر المؤمنین و افراد کنند که او پادشاه مؤمنان
 است یعنی روز غدیر این روز بوده یا آن روز که سر کرده ها صحابه را گفت برد
 و بر علی سلام کنید و بگوئید اَلَكُمُ عَلِيٌّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ این روز بوده
 و فرمود که درین روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین عم را فرستاد بواد
 حنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که درین روز حق خلافت
 با امیر المؤمنین عم برکش و بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند
 و درین روز حضرت امیر عم با خاریجان نهران جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت

قل هو الله احد و در ركعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق
قبل اعوذ برب الناس يا حيوان و بعد ازان بجمعه شكرو و اينه طاراجخوان
اللهم صل على محمد و آل محمد الا و صيا المرضيين و صل على
جميع انبيائك و رسلك يا فضل صلوا لك و بارك عليهم يا فضل
بركائك و صل على ادواحيهم و اجسادهم اللهم بارك على محمد
و آل محمد و بارك لنا في يومنا هذا الذي فضلك و كرمته و شرفه
و عظمت قدره اللهم بارك لي فيها انعمت به علي حتى لا اشكر
احدا غيرك و قد سمع على في مرتبه يا ذا الجلال و الاكرام اللهم ما غاب
عني فلا يغيب عني عونك و حفظك و ما فقدت من شيء فلا
تفقدني عونك عليه حتى لا اتركك ما لا احتاج اليه يا ذا
الجلال و الاكرام و فقر يا ذا الجلال و الاكرام را بيار بكويد و در بعضي از
روايات بعد از يا ذا الجلال و الاكرام از نمته نيزهت و صلى الله على سيدنا
محمد و آله الطيبين و الحمد لله رب العالمين چون اين عمل را بجا آوري
كنا هان بجا ناله تو آميزد شود **فصل دوم** در بيان آنچه در كنش غير معتبر
مذكور است و آنهارد و قسم اند **قسم اول** اعما الى كه وقت تحويل بايد بعمل آورند
و آنها چند خنث است **اول** حبه علامه ام مولا نا محمد باقر مجلسي طاب ثراه در كتاب
زاد المعاد گفته كه در غير كتب مشهور روایت کرده اند كه در وقت تحويل اينه
را بيار بخوانند و بعضي سهصد و شصت و شش مرتبه گفته اند يا حيوان
المول و الا حوال حيول حالتنا الى احسن الحال و بر روايت ديكر يا مقلب
القلوب و الا بصار يا مديب اللئيم و النهار يا حيول المول و الا حوال
حوال حالتنا الى احسن الحال و سيد جليل نيل مير محمد باقر امام قدس الله روحه

رقی الذی یحیی و میّت و قی الواحد القهار حسبنا ربنا حسبی ربی اللّهم انّا
 لک من الطّمر و الطّاعون و الوباء و المذابح و موت الفجاء و سوء القضاء
 و سائمة الاعداء و من شر ما سبق ربنا اصرف عنا العذاب انّا مؤمنون
 حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر فالله خیر حافظا و هو ارحم
 الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و عترته الطاهریه **ششم** ایضا
 نقل شده که این دعا را در هر روز و در باب یا کی بخوانند و قدری خود
 بخورند و قدری بمعلقان دهند و قدری در چهار رکن خانه افشانند
 بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّهُمَّ جَعَلْهُمُ الْحَسَنَ وَ الْحَسَنَ وَ اَخْبِرْهُ وَاُمِّهِ
 وَاَسْبِهِ وَاَصْحَابِهِ وَاَبْنِیْهِ وَاَشِیْعَتِهِمْ وَاَسْأَلُکَ بِرَحْمَتِکَ یَا
 قَارِیَجَ الْهَمِّ وَاِیَّا کَاشِفَ الْغَمِّ وَاِیَّا حَیْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ وَاِیَّا غِیَاثَ
 الْمُسْتَغِیْثِیْنَ وَاَرْحَمَ رَافِعِهِمْ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ **هفتم**
 در جامع ابن بیطار مذکور است که صاحب فلاح بنطیه از قول حضرت آدم علیه السلام
 نقل کرده که هر که در روز تحویل بنم مشال تخم را زیانه با هم مشال کنند
 سفوف ساخته بخورد و بر این مداومت نماید تا روز تحویل افتاب سلطان
 در آن سال قیام کوفتی بهم نرساند و اگر هر سال این کار بکند عمر او بصدقه
 بیست سال برسد و اصلاد در قوای او سستی و ضعف بهم نرسد **دهم**
 ابو یحییان در کتاب تاریخ خود گفته که اصحاب نیر خجالت نقل نموده اند که
 هر که در بامداد روز نوروز پیش از آنکه سخن گوید شکر بگوید و روغن زیتون
 بر بدن بمالد و در تمام آن سال از همه انواع بلاها محفوظ باشد **یازدهم**
 صاحب فلاح بنطیه نقل نموده که هر که در این روز یک مشال مخلصه کوفته
 بخورد و ناسه روز بر آن مداومت نماید در آن سال هیچ زهری در او کارگر نشود

و گفته

و گفته که این از مجربات است چنانچه شخصی در سالی با نین عمل نموده در آن سال
 چند نوبت با و زهر دادند که از آنجمله بکریه ده دانگ و نیم الماس و
 بکریه بکریه ده افغی بود و کارگر نشد **دوازدهم** در بعضی از رسائل
 مذکور است که در روز نوروز از پوشیدنی جامه سیاه و زرد و بنفش
 و عتایی حذر باید کرد که باعث مفلسی و آزدگیست بلکه جامه سفید
 یا سبز یا آبی یا کبود باید پوشید که باعث غنا و توانگری و صحت بدن است
 در آن سال چنانچه در این ابیات که مسئولی سلطان الحقیقین خوانند
 نصیر الدین طوسی قدس الله روحه بنظر آمده **ششم** بوقت کودتیش سال
 ای یکانه دوران نصیحتی کنم از بشوی و دریایی چهار رنگ می پوش
 چهار رنگ بپوش که آن چهار شوی خالک و زمین چهار رانی بیوش جامه
 سبز و سفید و آل و کبود میوش زرد و بنفش و سیاه و عتایی کوزین
 چهار شود قامت تو خم چو کمان و زان چهار شود چهره تو عتایی
تذنیب در مجموع بنظر رسیده که منقول است که هر که این کلمات را در
 روز شنبه بعد از نوروز بنویسد و باب یا کی بخورد و بخورد در آن سال از
 درد چشم این باشد و کلمات اینست **الم المص المکر که یعیص طه طه**
طس کس جمع سق و ت حقیق بدانکه آنچه در این مقصد مذکور شد
 در کتب معتبره مسطور نیست و بعضی از آنها را بر روایت نسبت داده اند
 و بعضی را بدون نسبت بر روایت نقل نموده اند و آنها بر سه نوع است
نوع اول آنچه از قبیل ادعیه و اذکار و نماز و نوشتن دعا و طلسم
 و استامیدن آب آنهاست و این قسم را اگر چه بر روایت نسبت نداده
 اند لیکن ظاهر حال آنست که ما خود از روایتی و حدیثی باشد و حدیث آن
 در این است که بعضی از ائم در رسایه جمعی از بزرگان را که بنظر رسیده است

و در بعضی از کتب معتبره مسطور نیست و بعضی از آنها را بر روایت نسبت داده اند و بعضی را بدون نسبت بر روایت نقل نموده اند و آنها بر سه نوع است
 نوع اول آنچه از قبیل ادعیه و اذکار و نماز و نوشتن دعا و طلسم و استامیدن آب آنهاست و این قسم را اگر چه بر روایت نسبت نداده اند لیکن ظاهر حال آنست که ما خود از روایتی و حدیثی باشد و حدیث آن در این است که بعضی از ائم در رسایه جمعی از بزرگان را که بنظر رسیده است

هدیه از بعضی دولت بعضی که باعث دل شکستگی آن دیگری میشود **ایضا** ابو ریحان
در کتاب تاریخ خود گفته که بعضی از حشویه نقل کرده اند که حضرت سلیمان عم
انکسر خود را که کرده و ملک او باین سبب بر طرف شد چون چهل روز باین
گذشت انکسر خود را یافت و پادشاهت باور کردید و ملوک زمان بدرگاه
او آمدند و مرغان بر سر او سایه افکندند پس اهل فرس گفتند که نوروز آمد
یعنی روز تازه مانند روزهای سلطنت آمد بدین جهت این روز را نوروز نامیدند
و در آن روز سلیمان امر کرد باد را که او را برادر پس باد سلیمان را بلند کرد
و شب پره نزد سلیمان آمد و گفت ایها الملك من اشیا فی داره در آن اشیا
من تخفی چند هست پس از راهی که میری عدو لکن سلیمان راه برگردانید
پس چون سلیمان نزول کرد خطاف آمد و بمنقار خود آید داشت ان آب را
در برابر آنحضرت پاشید و پایی مکنی برای آنحضرت بهدیه آورد و باین جهت
شایع شد که در روز نوروز آب میپاشند و هدایا و پیشکشها برای ملوک
میاورند و **ایضا** نقل نموده که شایع است درین روز که شکر و حلوا
را برای یکدیگر بهدیه میفرستند و سبب این معنی آنست که پیشکود در مملکت
جسم در روز نوروز ظاهر شود و بیشتر معروف نبود در آن روز فی شکر را
دید که آب بسیار دارم آنرا خایید و چشید دید که شیرین و لذیذ است
پس فرمود تا آب آنرا گرفتند و شکر از آن بعد آوردند و چون پنج روز
بر آن گذشت شکر بسکه شد و مردم بجهت یکدیگر هدیه فرستادند
و **ایضا** نقل کرده اند که در رسم ملوک خراسان بر این جاری بوده که درین
روز با عیان مملکت خود خلعتهای رسمی و صیغه میداده اند و آن
رسم میان سلاطین و دیگران شیوع بهم رسانید و **ایضا** گفته اند که

جمعه

جمعه را مردم را که در روز نوروز غسل کنند آب نافع تعالی دفع کند
ایشان آفتهای سال آیند و بعضی گفته اند که سبب غسل کردن درین روز
آنست که جم امر کرده بود بچهره نهرهای چند و چون روز نوروز شد آب
آن نهرها جاری شد و مردم بسبب جریان آب خوشحال شدند و بآن آب
غسل کردند پس جماعت نیز بجهت متابعت سلف غسل کردن را درین روز
شایع کرد اینند و بعضی گفته اند که این روز منسوبست به روزی که ملکی
موکل بر آب و بنا بر این مناسبت درین روز غسل میکنند و استعمال آب
مینمایند و بدین جهت است که می آیند درین روز نزد طلوع فجر مستوحه
میشوند و بجانب آب قنات و آب حوضها و کاه میروند و نزدیک آبهای جاری
و از آن آبها بر خود میریزند برای تبرک و دفع آفتها و بعضی بر بعضی آب میپاشند

تمت الرسالة والحمد لله

الصلوة علی خاتم الرسل

محمد و آله حامداً و مدحاً

مسلم

هدیه از بعضی دولت بعضی که باعث دل شکستگی آن دیگری میشود **ایضا** ابوریحان
در کتاب تاریخ خود گفته که بعضی از حشویه نقل کرده اند که حضرت سلیمان عم
انکسر خود را که کرده و ملک او باین سبب بر طرف شد چون چهل و وزیر این
گذاشت انکسر خود را یافت و پادشاهت باور کردید و ملوک زمان بدرگاه
او آمدند و مرغان بر سر او سایه افکندند پس اهل فرس گفتند که نوروز آمد
یعنی روز تازه مانند روزهای سلطنت آمد بدین جهت این روز را نوروز نامیدند
و در آن روز سلیمان امر کرد باد را که او را بردارد پس باد سلیمان را بلند کرد
و شب پره نزد سلیمان آمد و گفت ایها الملك من اشیا فی داره در آن اشیا
من تخفی چند هست پس از راهی که میری عدو لکن سلیمان راه برگردانید
پس چون سلیمان نزول کرد خطاف آمد و بمنقار خود آید داشت آن آب را
در برابر آنحضرت پاشید و پایی مکنی برای آنحضرت بهدیه آورد و باین جهت
شایع شد که در روز نوروز آب میپاشند و هدایا و پیشکشها برای ملوک
میاورند و **ایضا** نقل نموده که شایع است درین روز که شکر و حلوا
را برای یکدیگر بهدیه میفرستند و سبب این معنی آنست که پیشکود در مملکت
جسم در روز نوروز ظاهر شود و بیشتر معروف نبود در آن روز فی شکر را
دید که آب بسیار دارد آنرا خایید و چشید دید که شیرین و لذیذ است
پس فرمود تا آب آنرا گرفتند و شکر از آن بعد آوردند و چون پنج روز
بر آن گذشت شکر بسکه شد و مردم بجهت یکدیگر هدیه فرستادند
و **ایضا** نقل کرده اند که در مسم ملوک خراسان بر این جاری بوده که درین
روز با عیان مملکت خود خلعتهای رسمی و صیغه میداده اند و
رسم میان سلاطین و دیگران شیوع بهم رسانید و **ایضا** گفته اند که

جمید

جمید امر کرد مردم را که در روز نوروز غسل کنند آب ناحق تعالی دفع کند
ایشان آفتهای سال آیند و بعضی گفته اند که سبب غسل کردن درین روز
آنست که جم امر کرده بود بچهره نهرهای چند و چون روز نوروز شد آب
آن نهرها جاری شد و مردم بسبب جریان آب خوشحال شدند و بآن آب
غسل کردند پس جماعت نیز بجهت متابعت سلف غسل کردن را درین روز
شایع کرد آیند و بعضی گفته اند که این روز منسوبست به روزا که ملکی
موکل بر آب و بنا بر این مناسبت درین روز غسل میکنند و استعمال آب
مینمایند و بدین جهت است که می آیند درین روز نزد طلوع فجر مستوحه
میشوند و بجانب آب قنات و آب حوضها و کاه میروند و نزدیک آبهای جاری
و از آن آبها بر خود میریزند برای تبرک و دفع آفتها و بعضی بر بعضی آب میپاشند

تمت الرسالة والحمد لله

الصلوة علی خاتم الرسل

محمد و آله حامداً و مدحاً

مسلم

هدیه از بعضی دولت بعضی که باعث دل شکستگی آن دیگری میشود **ایضا** ابوریحان
در کتاب تاریخ خود گفته که بعضی از حشویه نقل کرده اند که حضرت سلیمان عم
انکسر خود را که کرده و ملک او باین سبب بر طرف شد چون چهل روز باین
گذشت انکسر خود را یافت و پادشاهت باور کردید و ملوک زمان بدرگاه
او آمدند و مرغان بر سر او سایه افکندند پس اهل فرس که گفتند که نوروز آمد
یعنی روز تازه باشند و روزهای سلطنت آمد بدین جهت این روز را نوروز نامیدند
و در آن روز سلیمان امر کرد باد را که او را بر دامن پس باد سلیمان را بلند کرد
و شب پره نزد سلیمان آمد و گفت ایها الملك من اشیا فی دایره در آن اشیا
من تخفی چند هست پس از راهی که میری عدو لکن سلیمان راه برگردانید
پس چون سلیمان نزول کرد خطاف آمد و بمنقار خود آید داشت ان آب را
در برابر آنحضرت پاشید و پایی مکنی برای آنحضرت به هدیه آورد و باین جهت
شایع شد که در روز نوروز آب میپاشند و هدایا و پیشکشها برای ملوک
میاورند و **ایضا** نقل نموده که شایع است درین روز که شکر و حلوا
را برای یکدیگر بدهند میفرستند و سبب این معنی آنست که پیشکود در مملکت
جسم در روز نوروز ظاهر شود و بیشتر معروف نبود در آن روز فی شکر را
دید که آب بسیار دادم آنرا خایید و چشید دید که شیرین و لذیذ است
پس فرمود تا آب آنرا گرفتند و شکر از آن بعد آوردند و چون پنج روز
بر آن گذشت شکر بسکه شد و مردم بجهت یکدیگر هدیه فرستادند
و **ایضا** نقل کرده اند که در مسم ملوک خراسان بر این جاری بوده که درین
روز با عیان مملکت خود خلعتهای رسمی و صیغه میداده اند و آن
رسم میان سلاطین و دیگران شیوع بهم رسانید و **ایضا** گفته اند که

جمید

جمید امر کرد مردم را که در روز نوروز غسل کنند آب ناحق تعالی دفع کند
ایشان آفتهای سال آیند و بعضی گفته اند که سبب غسل کردن درین روز
آنست که جم امر کرده بود بچهره نهرهای چند و چون روز نوروز شد آب
آن نهرها جاری شد و مردم بسبب جریان آب خوشحال شدند و بآن آب
غسل کردند پس جماعت نیز بجهت متابعت سلف غسل کردن را درین روز
شایع کرد آیند و بعضی گفته اند که این روز منسوبست به روزی که ملکی
موکل بر آب و بنا بر این مناسبت درین روز غسل میکنند و استعمال آب
مینمایند و بدین جهت است که می آیند درین روز نزد طلوع فجر مستوحه
میشوند و بجانب آب قنات و آب حوضها و کاه میروند و نزد یک آبهای جاری
و از آن آبها بر خود میریزند برای تبرک و دفع آفتها و بعضی بر بعضی آب میپاشند

تمت الرسالة والحمد لله

الصلوة علی خاتم الرسل

محمد و آله حامداً و مدحاً

مسلم